



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبیٰ نورمفیدی

تاریخ: ۱۹ مهر ۱۳۹۰

مصادف با: ۱۳ ذی القعدة ۱۴۳۲

جلسه: ۱

موضوع کلی: اعتبار جوامع روایی

موضوع جزئی: مستطرفات سرائر

سال: دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مروری بر مباحث گذشته

بحث در سال گذشته حول اعتبار کتب اربعه بود، ما در مورد چهار کتاب تهذیب، استبصار، کافی و من لا یحضره الفقیه به تفصیل سخن گفتیم، کتب اربعه مهم‌ترین جوامع روایی شیعه بوده که مورد بررسی قرار گرفتند و گفتیم روایات کتب اربعه صحیح هستند و بررسی سندی لازم ندارند، بعضی کتب روایی دیگر وجود دارند که آشنایی با آنها و مقدار اعتبار روایات مذکور در این کتب مهم است از جمله: مستطرفات سرائر، نوادر الحکمة، دعائم الاسلام، تفسیر علی بن ابراهیم قمی، کامل الزیارات، مصباح کفعمی، احتجاج، عوالی اللثالی و... که گاهی در استناداتی که به روایات می‌شود به روایات موجود در این کتب استناد می‌شود، حال باید اعتبار روایات این کتب را بررسی کنیم.

مستطرفات سرائر

مستطرفات، مجموعه روایاتی است که ابن ادریس در آخر کتاب سرائر ذکر کرده، ابن ادریس حلی از علماء و فقهاء بزرگ شیعه است، مرحوم شیخ انصاری در کتاب مکاسب از آراء و انظار ابن ادریس و کتاب سرائر زیاد نقل می‌کند، در آخر کتاب سرائر روایاتی ذکر شده که مشکل اصلی آن روایات این است که ابن ادریس طرق خودش را به آن روایات ذکر نکرده است.

اشکال ارسال:

ظاهراً این روایات را از کتب و اصول معروفه و مشهوره اخذ کرده اما از آنجایی که طریق بین خودش را تا کتب مشهوره ذکر نکرده به حسب ظاهر این روایات مرسله هستند، ابن ادریس باید در سند روایت می‌گفت عن فلان عن فلان تا مثلاً به شیخ طوسی برسد و از شیخ هم به آن کتاب و اصل مثل کتاب ابن ابی عمیر، از آنجا به بعد هم معلوم است چون طریق صاحب کتاب به امام معصوم (ع) معمولاً معلوم است، ابن ادریس روایاتی را که از کتب و اصول مشهوره در آخر سرائر نقل کرده است از آن کتب با اتصال سند آنها ذکر کرده ولی طریق خودش تا صاحب کتاب مشخص نیست و مثل نقل کردن زمان ما نیست، فرق زمان حاضر با آن زمان این است که ما الآن روایت را از کتب نقل می‌کنیم اما در آن زمان خود شخص، ناقل روایت بوده و باید طریقتش به آن کتب و از آن کتب تا معصوم (ع) روشن باشد تا بتوان به روایت او استناد کرد و اگر طرق ناقل روایت به کتب و اصول معروفه و مشهوره معلوم نباشد روایات او دچار ضعف می‌شود و نمی‌توان به آنها استناد کرد. پس

ممکن است کسی بگوید تمام روایات ذکر شده در مستطرفات سرائر چون مرسله هستند ضعیف هستند لذا اگر روایتی از مستطرفات سرائر نقل شد اعتبار ندارد و حجت نیست، بهر حال این کتب جزء جوامع روایی هستند که باید اعتبار آن‌ها ثابت شود تا بتوان به روایات مذکور در این کتب استناد کرد و با زمان ما فرق می‌کند که یک روایت را برای اثبات یک حکم شرعی مورد استناد قرار می‌دهیم و حکایت دیگران نقل می‌کنیم، مثلاً امام (ره) سند روایات مذکور در کتاب اربعین را به خودش متصل می‌کند و ایشان از مشایخ خودش اجازه دارد و این اجازه نسل بعد نسل به ایشان رسیده است، و سلسله سند کاملاً معلوم است یا مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی که خودش اجازه نقل روایت می‌داد و آن شخص که به او اجازه روایت داده شده می‌تواند از استاد خودش که اجازه داده روایت را نقل کند و او از شیخ خودش، این طریق شیخ آقا بزرگ تهرانی؛ مثلاً تا شیخ طوسی معلوم است و سلسله اتصال سند روایت تا معصوم (ع) معلوم و قابل پی‌گیری است.

در مورد مستطرفات سرائر طریق ابن ادریس؛ یعنی طریقی که از خودش تا صاحبان کتب و اصول معروفه باید نقل می‌شد نقل نشده لذا به حسب ظاهر، تمام روایات مستطرفات مرسله هستند که اگر ارسال روایات مستطرفات ثابت شود روایات ضعیف می‌شوند و به هیچ یک از روایات موجود در مستطرفات نمی‌توان استناد کرد. در بین روایاتی که در مستطرفات ذکر شده تنها روایاتی که از کتاب محمد بن علی بن محبوب و همچنین از بزنی نقل شده استثناء شده است، نظر مرحوم آقای خویی هم همین است و غیر از این دو دسته روایات، بقیه روایات مستطرفات را قبول نمی‌کنند.

حل مشکل ارسال:

بعضی معتقدند که امکان تصحیح روایات مستطرفات وجود دارد و گفته‌اند سند روایات از صاحبان کتب به بعد معلوم است و ما تلاش می‌کنیم طریق ابن ادریس تا صاحبان کتب را مشخص کنیم؛ یعنی اگر مقداری از اسناد روایات که دارای ارسال است معلوم شود که چه کسانی هستند حداقل از ارسال خارج می‌شود آن وقت باید ببینیم اشخاصی که در سلسله سند این روایات قرار گرفته‌اند آیا ضعیف هستند یا خیر؟ از بعضی از اجازاتی که در بین اجازات علماء وجود دارد طریق ابن ادریس به کتب، قابل استفاده است و به این وسیله طریق ابن ادریس به صاحبان کتب را استخراج می‌کنند که ما به چند نمونه اشاره می‌کنیم.

کشف طریق ابن ادریس تا شیخ به وسیله اجازات:

در این اجازات آمده که ابن ادریس همه کتاب‌های شیخ طوسی از جمله فهرست را روایت کرده است، اگر ابن ادریس کتاب فهرست شیخ طوسی با کتاب‌های موجود در آن را روایت کرده باشد به این نتیجه می‌رسیم که طرق شیخ طوسی همان طرق ابن ادریس است، ابن ادریس شاگرد شیخ بوده حال اگر انطباق طریق ابن ادریس را بر طریق شیخ ثابت کنیم پس طریق ابن ادریس تا صاحبان کتب همان طریق شیخ طوسی است، عمده این است که ما دو مطلب را بتوانیم ثابت کنیم: یکی اینکه طریق شیخ طوسی همان طریق ابن ادریس است و دیگری اینکه طرق شیخ به آن کتب و صحت آن طرق ثابت شود که اگر این دو مطلب به هم ضمیمه شود مشکل سندی روایات مستطرفات برطرف می‌شود و روایات مستطرفات از ارسال خارج

می‌شوند البته اگر روایتی مرسله نبود لزوماً به این معنا نیست که روایت صحیح است، اما اگر نتوانستیم این دو مطلب را ثابت کنیم طبیعتاً نمی‌توان حکم به عدم ارسال روایات مستطرفات کرد.

۱- مورد اول:

اجازه شهید اول به ابن خازن حائری: «و بهذا الاسناد عن فَخَّار و ابن نماء مصنفات الشيخ العلامة المحقق فخر الدين عن ابي عبدالله محمد بن ادريس الحلبي و بهذا الاسناد عن ابن رتبة مصنفات و مرويات الشيخ المفيد ابي علي بن شيخنا ابي جعفر امام المذهب بعد الائمه (ع) محمد بن الحسن الطوسي و هو يروي جميع مصنفات والده و مروياته»^۱ از ابن ادريس تا پسر شيخ طوسي ذکر شده و پسر شيخ طوسي هم همه مصنفات پدرش را نقل کرده است پس طريق ابن ادريس تا شيخ طوسي در اين اجازه معلوم شد، ما فعلاً کار نداريم به اينکه اين طريق درست است يا نه بلکه عمده اين است که طريق ابن ادريس تا شيخ طوسي از ارسال خارج شود.

۲- مورد دوم:

اجازه شهيد ثانی به پدر شيخ بهایی قال: «و عن ابن صالح و عن ابن ادريس كليهما عن الحسين بن رتبة عن ابي علي عن والده... بجميع ما صَنَّفَهُ و رَوَّاهُ»^۲ در اين اجازه هم طريق ابن ادريس تا شيخ طوسي معلوم شده است.

۳- مورد سوم:

اجازه محقق کرکی به قاضی صفی الدين قال: «و اما مصنفات الشيخ الامام محمد بن الحسن الطوسي... منها الطُّرُق المتقدمة المتصلة بالشيخ السعيد فخر الدين ابي عبدالله محمد بن ادريس بحق روايته عن شيخه الفقيه السعيد ابن مسافر عن شيخه الياس بن هشام الحائري و بالاسناد و يرويها غالباً الشيخ السعيد سديد الدين يوسف بن مطهر عن الشيخ السعيد نجيب الدين محمد السُّورَاوِي عن الشيخ الفقيه حسين بن هبة الله بن رتبة كليهما عن الشيخ الاجل السعيد المفيد ابي علي الحسن بن الشيخ الامام ابي جعفر محمد بن الحسن الطوسي عن والده الشيخ ابي جعفر...»^۳.

۴- مورد چهارم:

اجازه شيخ احمد آملی به مولى عبدالله تستری قال: «فمن ذلك كتب الشيخ احمد الآملی ابي جعفر محمد بن الحسن الطوسي... عن ابن ادريس عن جمال الدين هبة الله بن رتبة السُّورَاوِي عن المفيد ابي علي عن والده»، در اين اجازات، ابن رتبة از پسر شيخ طوسي و او از پدرش روايت کرده لكن قبل از ابن رتبة در بعضی اجازات ابن ادريس به تنهایی نقل شده و در بعضی ديگر کسی ديگر هم آن روايت را نقل کرده است، بين ابن ادريس تا شيخ طوسي دو تا سه واسطه وجود دارد. اجازات ديگری هم نقل شده که ما به همين مقدار اکتفاء می‌کنيم، عمده اين است که در اين اجازات طريق ابن ادريس به شيخ طوسي مشخص است، طرق شيخ هم به امام معصوم (ع) معلوم است. ما با ذکر اين طريق و آنچه که در اين اجازات آمده

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۷، ص ۱۸۹.

۲. همان، ج ۱۰۸، ص ۱۶۳.

۳. همان، ج ۸، ص ۷۴.

حداقل می‌توانیم ادعا کنیم که ولو در روایات مستطرفات، طریق ابن ادریس تا کتب و اصول معروفه ذکر نشده اما مرسل نیست چون ما این طریق را از لابلاى اجازاتی که داده شده می‌توانیم بدست آوریم.

«والحمد لله رب العالمین»